

تنها مسیر برای زندگی بهتر/ج ۹

پناهیان: دنیاگریزی ابلهانه‌ای که مستکبران را بر دنیای ما مسلط کند، زهد نیست/دین، راه رفاه را به انسان یاد می‌دهد/ در اثر تبعیت از پیامبران، زندگی خوش مادی پدید می‌آید/ برخی می‌خواهند بدون زحمت، زندگی‌شان بهتر شود/ فرهنگ کار در ما خیلی پایین است +صوت

زهد به این معنا نیست که زندگی شما آن‌چنان خراب باشد که نتوانی نیازهای خود و جامعه خود را تأمین کنی و قدرتمندان ثروتمند بر شما مسلط شوند! چه کسی گفته است که معنای زهد این است؟! در هیچ جلسه‌ای از جلسات مذهبی نبوده که ما درباره زندگی بهتر از نظر مادی - در آن محدوده‌هایی که دین گفته - سخن بگوییم، مگر اینکه با اعتراض‌هایی از سر جهالت مواجه شده‌ایم، و این خیلی موجب تأسف است. در حالی که هیچ استاد اخلاقی، زهد را به این صورت معنا نمی‌کند که «زهد یعنی دنیاگریزی ابلهانه‌ای که دنیای تو به دست مستکبران بیفتد که بر تو مسلط شوند!»

حجت الاسلام علیرضا پناهیان که در رمضان گذشته با موضوع «**تنها مسیر - راهبرد اصلی در نظام تربیت دینی**» سخنرانی کرد و مورد استقبال جوانان قرار گرفت، امسال قرار است به مدت ۳۰ شب در مسجد امام صادق (ع) میدان فلسطین به موضوع «**تنها مسیر برای زندگی بهتر**» بپردازد و به سوال «چگونه یک زندگی بهتر داشته باشیم؟» پاسخ دهد. در ادامه فرازهایی از **نهمین جلسه** این سخنرانی را می‌خوانید:

دو گروه با بحث «زندگی بهتر» مخالفت می‌کنند/ برخی غیرمذهبی‌ها با تمسخر، به متدینین می‌گویند «شما هم مثل ما دنبال زندگی بهتر هستید؟!»، کدام پیامبر فرموده دنیای خود را آباد نکنید؟

- بعد از ارائه تعریف زندگی در جلسات قبل، می‌خواهیم به بحث «زندگی بهتر» بپردازیم و اینکه «انسان چگونه می‌تواند به زندگی بهتر برسد؟». ما نمی‌خواهیم با زندگی، خیلی حداقلی برخورد کنیم، بلکه به دنبال این هستیم که زندگی‌مان چگونه بهتر می‌شود؟ در اینجا دچار یک چالش بسیار بزرگ می‌شویم و متأسفانه بخشی از این چالش از سوی افراد مذهبی است.
- ما با مطرح کردن بحث زندگی بهتر، با دو نوع مخالفت مواجه هستیم: یک نوع مخالفت از سوی افراد غیرمذهبی و یک نوع مخالفت از سوی افراد مذهبی. گاهی اوقات غیرمذهبی‌ها با تمسخر، به متدینین می‌گویند: «شما هم مثل ما دنبال زندگی بهتر هستید؟! اینکه کار ما و کسانی است که دین و ایمان ندارند و آخرت را نمی‌خواهند! چطور شده شما که دنبال خدا بودید، به دنبال زندگی بهتر افتاده‌اید؟!»
- در فضای معنوی اگر بخواهی درباره «زندگی بهتر» صحبت کنی، اولاً با تمسخر غیرمتدینین مواجه خواهی شد، و ثانیاً با برخوردهای عقده‌ای یا جاهلانۀ برخی از افراد مذهبی مواجه خواهید شد که می‌گویند: «شما که گفته بودید نباید دنبال دنیا برویم!» در حالی که این یک دروغ بزرگ است. کدام پیامبری گفته است که شما دنیای خود را آباد نکنید؟! ما اگر گفتیم «دنیا نه!» یعنی حب‌الدنیا نه! یعنی دنیا را بر آخرت ترجیح ندهیم نه اینکه دنیا را ترک کنیم یا وظیفۀ خودمان را درباره تأمین دنیای خودمان و اطرافیان خودمان انجام ندهیم.

دنیاگریزی ابلهانه‌ای که مستکبران را بر دنیای ما مسلط کند، زهد نیست

• زهد به این معنا نیست که زندگی شما آن چنان خراب باشد که نتوانی نیازهای خود و جامعه خود را تأمین کنی و قدرتمندان ثروتمند بر شما مسلط شوند! چه کسی گفته است که معنای زهد این است؟! در هیچ جلسه‌ای از جلسات مذهبی نبوده که ما درباره زندگی بهتر از نظر مادی - در آن محدوده‌هایی که دین گفته - سخن بگوییم، مگر اینکه با اعتراض‌هایی از سر جهالت مواجه شده‌ایم، و این خیلی موجب تأسف است. در حالی که هیچ استاد اخلاقی، زهد را به این صورت معنا نمی‌کند که «زهد یعنی دنیاگریزی ابلهانه‌ای که دنیای تو به دست مستکبران بیفتد که بر تو مسلط شوند!»

• چه کسی معنویت و دنیاگریزی را این چنین معنا کرده است که «ما برای به دست آوردن دنیای مان کار و تلاش نکنیم»؟! ولی متأسفانه این تصور غلط از دینداری و آخرت‌گرایی وجود دارد که «دینداری یعنی دنیاگریزی و آخرت‌گرایی یعنی زندگی زاهدانه حداقلی، به حدی که دیگرانی که ملحد هستند بر دنیای تو مسلط شوند.»

• این تصور باطل در میان غیرمتدینین وجود دارد که تا متدینین از زندگی بهتر حرف بزنند، آنها را مسخره می‌کنند و می‌گویند: «پس شما هم دنبال ما راه افتاده‌اید!» یعنی آنها تصور می‌کنند که خودشان واقعاً به دنبال زندگی بهتر هستند!

ملاک زندگی بهتر، «رضایتمندی» از زندگی است/ بر اساس گزارش اتحادیه اروپا، رضایتمندی اروپایی‌ها از زندگی پس از ۳۰ سال پیشرفت تکنولوژی، زیاد نشده

• ما که می‌خواهیم به زندگی بهتر برسیم، ملاکش رضایتمندی از زندگی است، یعنی اینکه انسان راضی‌تر بشود و احساس خوشبختی کند. یعنی هر کسی در هر مرامی هست، هرطوری می‌خواهد احساس رضایتمندی و خوشبختی کند.

• یک مرکز تحقیقاتی برای بررسی سطح رضایتمندی مردم در کشورهای اروپایی، تحقیقاتی انجام داده که نتایج آن در سایت رسمی کمیسیون اتحادیه اروپا منتشر شده است. در آنجا نشان داده است که در سی سال گذشته سطح رضایت مردم اروپا از زندگی افزایش پیدا نکرده است. یعنی با اینکه در این سی سال، تکنولوژی پیشرفت کرده ولی سطح رضایتمندی مردم افزایش پیدا نکرده است. معلوم می‌شود که تکنولوژی به تنهایی نمی‌تواند میزان رضایتمندی را افزایش دهد. این تحقیق را در میان افراد کم‌درآمد و پردرآمد هم انجام داده‌اند و نتیجه نشان داده که هر دو گروه فقیر و ثروتمند، سطح رضایتمندی‌شان تغییر چندانی نکرده است. ما نباید ظاهربین باشیم! باید ببینیم که آیا واقعاً میزان رضایت آنها از زندگی افزایش پیدا کرده است؟!

در دنیای امروز، مجبوریم در «رقابت زندگی بهتر» شرکت کنیم و الا تحت سلطه ابلیسینان قرار می‌گیریم

• زهد به معنای زندگی‌گریزی نیست، چون تا از زندگی خودت فرار کنی و از بهبود وضع معیشتی خودت فرار کنی (به‌عنوان فرد یا جامعه)، دیگران بر تو مسلط خواهند شد. مخصوصاً در زندگی‌های امروزی که خیلی با گذشته فرق کرده است. در زندگی‌های گذشته که با صد کیلومتر فاصله، کسی از کسی خبردار نبود و به این سادگی‌ها کسی بر کسی سلطه پیدا نمی‌کرد، شاید در آن زمان

می‌توانستید زهد پیشه کنید و به زندگی شما هم زیاد لطمه وارد نشود. ولی الان اگر پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها را برای رفع بیماری بیماران لاعلاج جامعه نداشته باشیم، تحت سلطه ابلسیان قرار خواهیم گرفت.

- در دنیای امروز، مجبوریم در رقابت «زندگی بهتر» شرکت کنیم؛ به عنوان یک وظیفه دینی. مجبوریم علم و تکنولوژی را به عنوان یکی از ابزار زندگی بهتر، پیشرفته‌تر قرار دهیم و مجبوریم در این رابطه تلاش کنیم. مجبوریم وضع زندگی خودمان را بهتر کنیم و اینها معنایش این نیست که بریز و بپاش مسرفانه انجام دهیم و به تجملات بی‌خود پردازیم و عاشق دنیا شویم.

برخی از نیازهای جدید انسان امروزی، لازمه حیات پیشرفته بشری است

- تجربه حیات بشر نشان داده است که انسان‌ها همین‌طور که دارند زندگی می‌کنند، نیازهای جدیدی هم تولید می‌کنند که برخی از این نیازهای جدید، کاذب هستند اما برخی از این نیازهای جدید، لازمه حیات پیشرفته بشری است. این نیازهای جدید که تولید می‌شوند، طبیعتاً ما را به سمت برآورده کردن این نیازها حرکت می‌دهند و وقتی ما این نیازها را درست برآورده کنیم، زندگی ما پیشرفته‌تر خواهد شد. وقتی زندگی همه، دارد پیشرفته می‌شود، ما هم نباید در این رقابت عقب بمانیم.
- طبیعتاً نمی‌شود انسان را به یک نوع خانه محدود کرد. نمی‌شود او را به یک نوع مرکب محدود کرد. البته این پیشرفت‌ها در برخی زمینه‌ها واقعاً زائد هستند، اما در برخی از زمینه‌ها ضرورت حیات طبیعی بشر هستند. مثلاً فرق انسان با گنجشک این است که گنجشک‌ها در طول تاریخ، همیشه یک‌جور لانه می‌ساختند ولی انسان‌ها این‌طور نیستند. نه تنها به خاطر اینکه انسان‌ها طمع دارند زندگی خود را بهتر کنند، بلکه جدای از طمع، بحث نیاز مطرح است. زندگی انسان وقتی جلو می‌رود، نیازهای جدیدی تولید می‌کند که لاجرم باید به آنها پاسخ داد و این یک‌نوع توسعه در زندگی مادی را به دنبال خواهد آورد.

در برخی زمینه‌ها باید با دشمن رقابت کنیم تا بر ما مسلط نشود / کمک امام باقر(ع) به دستگاه حاکم برای رسیدن به تکنولوژی ضرب سکه

- شما نمی‌توانید از این مسیر پیشرفت در متن زندگی مادی عقب‌نشینی کنید. حتی اگر دشمنان شما نبودند، باز هم به این پیشرفت، مجبور بودید ولی حالا به صورت مضاعف، مجبور هستید چون یک درگیری و نبردی در این میان هست. در برخی از زمینه‌ها لازم است با آنها مسابقه بدهیم و الا بر ما مسلط می‌شوند و این دستور دین ماست که «نگذارید بر شما مسلط شوند» (وَأَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ نساء/۱۴۱)
- مثال مشهورش در تاریخ اسلام، مثال «ضرب سکه» است. مملکت اسلامی در زمان امام محمد باقر(ع) از تکنولوژی ضرب سکه برخوردار نبود و دشمنان و رومیان می‌خواستند از این طریق بر جامعه اسلامی تسلط فرهنگی پیدا کنند. می‌خواستند برخی از شعارهای خودشان را بر روی سکه‌هایی که برای جامعه اسلامی ضرب می‌کنند، بزنند. در این زمان امام باقر(ع) به میدان آمد و به همان حکومت ظالم کمک کرد و آنها به مدد امام باقر(ع) تکنولوژی ضرب سکه را یاد گرفتند و خودشان را از زیر سلطه غربی‌ها نجات دادند.
- زندگی بهتر اقتضای طبیعت بشر است و کسی هم نگفته است که این طبیعت بشر را انکار کنیم، بلکه باید آن را هدایت و کنترل کنیم. اگر هدایت و کنترل نشود، گروهی به‌خاطر پیشرفت خودشان، دیگران را به بردگی می‌کشاند؛ مثل همین وضعی که الان در جهان داریم مشاهده می‌کنیم.

دین، راه رفاه را به انسان یاد می‌دهد/علی(ع): در اثر تبعیت از پیامبران، زندگی خوش مادی پدید می‌آید

• یکی از نتایج دین، این است که راه رفاه را به انسان یاد می‌دهد. توسعه مادی زندگی را برای انسان هموار می‌کند و در این هیچ تردیدی نیست. تعبیری در خطبه قاصعه امیرالمؤمنین(ع) درباره اثر تبعیت از پیامبر گرامی اسلام(ص) هست که بسیار جالب است. می‌فرماید: «به مواقع نعمت‌های خدا نگاه کنید که خدا پیامبری را مبعوث کرد و به سوی مردم فرستاد، مردم او را اطاعت کردند و او توانست الفتی بین مردم ایجاد کند و نعمت، بال کرامت خودش را بر سر مردم گستراند و نهرهای نعمت به سوی مردم جاری شد، و اینها غرق نعمت شدند و در سبزه‌زار زندگی خوش، منتعم بودند؛ فَأَنْظَرُوا إِلَى مَوَاقِعِ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَعَقَدَ بِمَلَّتِهِ طَاعَتَهُمْ وَ جَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ الْفَتْهَمَ كَيْفَ نَشَرَتِ النُّعْمَةَ عَلَيْهِمْ جَنَاحَ كَرَامَتِهَا وَ أَسَأَلَتْ لَهُمْ جَدَاوِلَ نَعِيمِهَا وَ التَّقَاتِ الْمَلَّةَ بِهِمْ فِي عَوَائِدِ بَرَكَتِهَا فَأَصْبَحُوا فِي نِعْمَتِهَا غَرَقِينَ وَ فِي خُضْرَةِ عَيْشِهَا فَكِهِينَ» (نهج البلاغه/خطبه ۱۹۲) یعنی در اثر تبعیت از پیامبران الهی، عیش و زندگی خوش مادی پدید می‌آید و این طور نیست که اگر یک امتی از یک پیامبری تبعیت کند، فقیر و بیچاره شود!

• البته معلوم است که آخرت از دنیا مهم‌تر است و اگر آدم دنیا را به آخرت ترجیح دهد، حماقت کرده است. در مقایسه با آخرت دنیا ارزشی ندارد، اما شما برای آباد کردن آخرت خودتان چاره‌ای ندارید جز اینکه دنیای خودتان را آباد کنید. خداوند می‌فرماید: «وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت/۶۴) حیات حقیقی آخرت است و دنیا بازی است ولی ما مأموریم به اینکه این بازی را به خوبی انجام دهیم، مأموریم به اینکه در این استخر بازی شنا کنیم و غرق نشویم. مشکل دینداری این است که شما باید به دنیای خودت پردازای و در عین حال، دینداری کنی. اما خیلی‌ها از این بابت ناراحت هستند و می‌گویند: «ای کاش ما فقط به دین می‌پرداختیم و اصلاً وارد امور دنیا نمی‌شدیم!»

روایات احترام به فقرا، به این معنا نیست که ما وظیفه داریم خودمان را فقیر کنیم! / انسان باید برای تأمین ثروت تلاش کند

• مسلماً فقر از نظر مادی به معنای زندگی بهتر نیست. منتها این سؤال مطرح می‌شود: که برخی روایات که درباره احترام و اعزاز فقرا آمده است، چه می‌شود؟ هر روایتی که در باب احترام فقرا وجود دارد، معنایش این نیست که ما وظیفه داریم خودمان را فقیر کنیم! به هیچ وجه این طور نیست، بلکه برعکس، انسان باید برای تأمین ثروت تلاش کند.

• مگر در روایات ما افراد بیمار و مریض، مورد احترام نیستند؟! مثلاً می‌فرماید: کسی که از شدت تب و بیماری تا صبح به خودش بیچد، ولی شکایت نکند، ناله نزد و صدای بیماری خودش را به دیگران نرساند، خدا او را در اعلیٰ علیین قرار می‌دهد. (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ مَرَضَ ثَلَاثًا فَلَمْ يَشْكُ إِلَى أَحَدٍ مِنْ عَوَادِهِ... فَإِنَّ عَافِيَتَهُ عَافِيَتُهُ وَ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ إِن قَبَضْتَهُ قَبَضْتَهُ إِلَيَّ رَحْمَتِي؛ کافی/۱۱۵/۳) این همه اجر برای بیمار رنجور، معنایش این نیست که ما برویم و خودمان را مریض کنیم! جامعه‌ای که بیماری در آن جامعه زیاد باشد، بدبخت است و معلوم است که آنها دستور انبیاء الهی را اجرا نکرده‌اند.

• از آنجا که خدا خیلی رؤوف و رحیم است، نسبت به افراد بیمار و رنجور، مهربان است ولی معنایش این نیست که ما هم برویم و خودمان را مریض کنیم تا مورد لطف خدا قرار بگیریم! درباره فقر نیز همین طور است. اینکه در ادعیه داریم: خدایا از کفر و فقر به تو

پناه می‌برم؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ» (کافی/۴/۴۰۳) نشان می‌دهد که فقر و کفر همسنگ و همسطح همدیگر هستند. اما در عین حال، یک مؤمن از فقیرانه زندگی کردن ابایی ندارد.

فقر در اثر تنبلی و بی‌تقوایی، با فقری که خدا برای مؤمن باتقوا و پرتلاش مقدر کرده، متفاوت است

• اگر یک مؤمن برای اینکه ثروتمند شود تلاش کرد اما خدا ثروت را برای او مقدر نکرده بود و او هم به رضای الهی رضایت بدهد و فقر را بپذیرد، او مقامش در بهشت خدا بالاتر از ثروتمند مؤمن است. چون او تلاش خودش را انجام داده ولی خدا برای فقر را مقدر کرده است. این فقر زیباست، اما نه فقر در اثر بی‌عرضگی که انسان خسر دنیا و الاخره می‌شود. بین فقر در اثر تنبلی و بی‌عرضگی و بی‌دینی و بی‌تقوایی، با فقری که خدا برای آدم باتقوا و باعرضه و پرتلاش مقدر کرده خیلی تفاوت هست. الان کم نیستند کسانی که در جامعه ما دچار فقر هستند، اما نه به خاطر تنبلی، بلکه به خاطر نظامات اقتصادی غلطی که در جامعه ما هست، اینها تقصیر خودشان نیست، چون تلاش خود را هم انجام داده‌اند منتها مشکل در جای دیگری است.

• اولاً ما وظیفه داریم که زندگی خودمان را بهتر کنیم، و ثانیاً باید برای زندگی بهتر دعا کنیم. یک نمونه از تلاش‌هایی که باید برای زندگی بهتر انجام دهیم، این است که در روایات داریم که هر کسی پولی دارد نباید پول خودش را راكد بگذارد، بلکه باید پول خودش را به کار بیندازد و پول خودش را اضافه کند. پس سرمایه‌گذاری کردن، توصیه رسمی دین ماست. البته معلوم است که استفاده غلط از پول (مانند رباخواری یا قاچاق) اشتباه است اما توصیه رسمی دین است که باید پول را افزایش دهید و نگذارید یک‌جایی ثابت بماند. (لَا تَدْعُوا التَّجَارَةَ فَتَهُونُوا أَتَجْرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ؛ کافی/۵/۱۴۹)

اگر بخواهی برای رفع نیاز خود «ماشین خوب» و «خانه وسیع» داشته باشی، این دنیا طلبی نیست

• در روایت هست که از سعادت مرد چند چیز است: یکی فرزند خوب (فرزندی که راه خوب پدر و مادرش را ادامه دهد) همسر خوب و متدین، و مرکب راهوار و خانه وسیع (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَالْمَرْكَبُ الْهَيْئَةُ وَالْأَوْلَادُ الصَّالِحَةُ؛ جعفریات/۹۹) و (قرب‌الاسناد/۷۷) درست نیست که انسان در یک ماشین ابوقراضه بنشیند و این را علامت دینداری خودش بداند! حتی یکی از علائم اینکه «این مملکت چقدر اسلامی است؟» این است که ماشین‌های خوب تولید کند تا بگویند: دلیلش این است که در دین آنها ماشین یا مرکب خوب سفارش شده است.

• حتی اگر شما برای رفع نیاز خودتان برای تأمین ماشین خوب تلاش کنید، این جزء حب دنیا نیست (البته منظور از ماشین خوب، به معنای تزئینی و تجملی و آن‌چنانی نیست) برخی می‌گویند: «ماشین آدم را خراب می‌کند!» اگر این‌طور باشد خیلی چیزهای دیگر نیز وجود دارد که آدم را خراب می‌کند، مثل غریزه جنسی، غذا خوردن و... منتها بناست که ما از بین اینها عبور کنیم و خراب نشویم.

• جامعه ما باید به این سمت برود که مردم بتوانند از خانه وسیع برخوردار باشند، البته این هم به معنای دنیا طلبی نیست. ولی اگر آدم چنان عشق به دنیا، به مرکب یا به خانه وسیع داشته باشد که آخرت از یادش برود، بدبخت است. اگر آدم بخواهد دنیای خودش را بر آخرت ترجیح دهد، بیچاره است، یا اگر بخواهد دنیای خود را از راه غلط به دست آورد، بیچاره است.

• البته این سخنان در جامعه ما که خیلی از مؤمنین درگیر با حداقلی‌های زندگی هستند، ممکن است برای بعضی‌ها ناخوش آیند باشد و بگویند: «ما حداقل‌ها را هم نداریم، حالا شما دارید از خانه وسیع صحبت می‌کنید!» خدا مجازات خواهد کرد کسانی که باعث شدند و می‌شوند که بخشی از جامعه ما از رفاه حداقلی خوب محروم بماند.

• امام موسی بن جعفر (ع) منزل وسیعی خریدند و به یکی از بستگان‌شان فرمودند، خانه تو کوچک است بیا در این خانه بزرگ بنشین. او عرض کرد: همان خانه کوچک برای من بس است، چون آن خانه را پدرم ساخته است، می‌خواهم همان‌جا باشم! حضرت فرمود: آمدیم و پدر تو نادانی کرد، آیا تو هم باید راه او را ادامه بدهی؟! خانه باید وسیع باشد. (إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ عِشْتَرَى دَاراً وَ أَمَرَ مَوْلَى لَهُ أَنْ يَتَحَوَّلَ إِلَيْهَا وَ قَالَ إِنَّ مَنَزِلَكَ ضَيْقٌ فَقَالَ قَدْ أَخَذْتَ هَذِهِ الدَّارَ أَبِي فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عِشْتَرَى إِنَّ كَانَ أَبُوكَ أَحْمَقَ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ؛ کافی ۵۲۵/۶)

امیرالمؤمنین کشاورز نمونه مدینه / دبیرستانی‌ها آخر هفته‌ها به جای بازی با موبایل، کشاورزی کنند

• در ارتباط با زندگی بهتر، توصیه‌های بسیار روشنی داریم. امیرالمؤمنین (ع) وقتی دچار عزلت شدند و حکومت وقت، ایشان را کنار زد، شروع کردند به کشاورزی کردن، و کشاورز نمونه مدینه شدند. الان بسیاری از حزب‌اللهی‌ها هستند که تابه‌حال دستشان با بیل آشنا نشده است! خیلی از بچه مذهبی‌ها می‌توانند جمع شوند و با کمک همدیگر یک باغی بخرند و آنجا را آباد کنند که هم محل تفریح‌شان باشد و هم محل کار و تلاش و کسب درآمد. این کار مؤمنین و خوبان است. عموم ائمه هدی (ع) باغدار بودند. البته این حرف را برای کسانی می‌گوییم که یک مقدار دستشان به دهن‌شان می‌رسد که اگر از برخی ریخت و پاش‌های اضافه صرفه‌جویی کنند می‌توانند این کار را انجام دهند، خصوصاً اگر کسی بتواند کارآفرینی کند خیلی خوب است، کم‌اینکه مقام معظم رهبری فرمودند: کارآفرینی عبادت است. بنده حتی این کارها را در سطح بچه‌های دبیرستانی می‌دانم؛ آنها می‌توانند به‌جای موبایل‌بازی و... از پدرانشان بخواهند که اگر می‌توانند با هم جمع شوند و یک جایی را تهیه کنند (مثلاً در اطراف همین تهران) تا این بچه‌ها پنج‌شنبه جمعه‌ها بروند و کشاورزی کنند و فعالیت کنند.

فرهنگ کار در ما خیلی پایین است/ برخی می‌خواهند بدون زحمت، زندگی‌شان بهتر شود

• فرهنگ کار در ما خیلی پایین است، بعد اسم خودمان را هم حزب‌اللهی و مؤمن و مسجدی و مذهبی و هیأتی می‌گذاریم!

• برخی می‌خواهند همین‌طوری -بدون زحمت- زندگی‌شان بهتر بشود؛ این افراد معمولاً اگر دیگران را ببینند که زندگی بهتری دارند، شاید ناسزا هم به او بگویند، و غرغر کنند که: معلوم نیست از کجا این پول‌ها را آورده! در حالی که شاید او واقعاً زحمت کشیده، یا شاید از پدرش به ارث رسیده.

• سعی کنید خودتان را به «زندگی بهتر» برسانید؛ منتهی در حد وظیفه و بدون فراموش کردن خدا. البته کسی که وارد بازار می‌شود می‌تواند خیلی راحت خدا را فراموش کند؛ با این حساب، آیا نباید وارد بازار شویم؟! این شبیه سخن کسانی است که می‌گویند: «خدایا! چه می‌شد اگر سن بلوغ جوانان را عقب‌تر می‌انداختی تا در اثر شهوت، دچار معصیت نشوند؟! چون بلوغ جنسی خطر خیز است!» خُب خیلی چیزهای دیگر هم هست که خطر خیز است؛ مثلاً گاهی از اوقات با پر خوری این قدر روحت سیاه می‌شود که با خیلی رفتارهای بد دیگر، این قدر دلت سیاه نمی‌شود. با این حساب آیا باید غذا را کنار بگذاریم؟!

برخی از ادعیه ما، برای تأمین زندگی بهتر است/ دعای پیامبر(ص) برای اصلاح دین، دنیا و آخرت

- برخی از ادعیه ما، برای تأمین زندگی بهتر است؛ مثلاً از پیامبر گرامی اسلام(ص) نقل شده است که ایشان معمولاً صبح‌ها که هنگام استجابت دعا است، این دعا را می‌خواندند و موقع خواندن صدایشان را بلند می‌کردند تا اصحاب‌شان صدایشان را بشنوند(كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ رَفَعَ صَوْتَهُ حَتَّى يُسْمَعَ أَصْحَابَهُ؛ امالی طوسی/۱۵۸)
- دعای حضرت این بود: «خدایا دین مرا اصلاح کن، که موجب محافظت من خواهد شد(و مرا از خطرات ننگه می‌دارد)؛ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي جَعَلْتَهُ لِي عِصْمَةً» و این را سه‌بار تکرار می‌فرمود. و بعد عرضه می‌داشت: «خدایا دنیای مرا اصلاح کن، دنیایی که معیشت و زندگی مرا در آن قرار داده‌ای؛ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي» و سه‌بار تکرار می‌کردند. و بعد عرضه می‌داشت: «خدایا آخرت مرا اصلاح کن، چون آخرت من محلی است که من در نهایت به آنجا مراجعت خواهم کرد؛ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي جَعَلْتَ إِلَيْهَا مَرْجِعِي» و سه‌بار تکرار می‌کردند. و «خدایا من به رضای تو پناه می‌برم از ناراحتی تو از دست خودم و پناه می‌برم به عفو تو، از غضب تو و از بلای تو؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نِقْمَتِكَ» و سه‌بار تکرار می‌کردند. و «خدایا من از تو به تو پناه می‌برم که اگر عطا کنی هیچ مانعی سر راه تو نیست، و اگر تو مرا از نعمتی ممنوع کنی، هیچ کسی نمی‌تواند عطاکننده باشد، و هیچ کسی نمی‌تواند با هیچ تلاش و کوششی از حکومت تو فرار کند و خلاف خواسته تو کاری انجام دهد؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ»
- در دعای فوق یک راهنمایی زیبا هم برای ما وجود دارد: شما که توجه به پروردگار عالم دارید، و با استعانت از پروردگار، او را مسبب الاسباب می‌دانید، در عین حال، باید برای آخرت خودتان و قبل از آن، برای دنیای خودتان دعا کنید. یعنی اول برای دین، بعد برای دنیا، بعد برای آخرت خودتان به ترتیب دعا کنید. و ما در جلسات بعدی خواهیم دید که این دین، دنیای انسان را بسیار آباد می‌کند.

اگر دنبال دنیا رفتی و دنیایت تأمین شد، باید بتوانی آنرا راحت در راه خدا بدهی

- انسان در حد وظیفه خودش باید برای دنیای خودش تلاش کند و اگر به دستش رسید که چه بهتر. منتها اگر دنبال دنیا رفتی و دنیایت تأمین شد، باید بتوانی این دنیای خودت را راحت در راه خدا بدهی؛ این هم یکی دیگر از شرط‌های آن است. یعنی آدم باید تلاش کند و زندگی خودش را تأمین کند، و بعد آنجایی که لازم بود در راه خدا خرج کند، راحت بتواند خرج کند.
- دل‌ها بسوزد برای حضرت خدیجه کبری(س) که تمام دارایی‌اش را صرف پیامبر گرامی اسلام(ص) کرد، اما آن قدر در این دنیا نماند که نتیجه و ثمره قیام پیامبر اکرم(ص) را ببیند. حیات ایشان فقط تا شعب ابیطالب که اواخر آن زجرهای پیغمبر(ص) بود و مسلمین تقریباً در آستانه فتح بودند، ادامه پیدا کرد و در آن‌جا در اوج غربت از دنیا رفتند...

